

The Political Functionalism of Future-Looking in the Words of the Infallibles and Leaders of the Islamic Revolution of Iran

Mohammad Shahbazi

Assistant Professor of Education, Iran University of Science and Technology
(Corresponding author).

Email: shahbazi62@iust.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Alireza Janalizadeh

Level 4 scholar at Qom Seminary.

Email: janalizadeh313@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Future studies and their importance in the field of thought and activism are inevitable. Realizing a desirable future and saving from a possible and probable risky future is a mission that future researchers consider necessary to study. The attention of religious teachings to the future of the life of the nation has always resulted in drawing a vision and explaining the damages. The future-oriented narratives of the Infallibles (peace be upon them) as the owners of divine knowledge and the intellectuals of the Islamic school, refer to studying a future in which divergence will bring irreparable damages. The Holy Prophet and the Holy Imams (peace be upon them) have pointed out the importance of studying the challenges of the desirable future through the news of future events; issues that are not limited to a specific time period, and there is the ability to extract patterns and criteria for future generations. This research was conducted by analyzing and examining historical narratives and has made it clear that the leaders of the Islamic Revolution who emerged from the seminaries, due to their wisdom, accurate knowledge of the path of the infallibles, and chronology, addressed the requirements facing the future of the nation. In the meantime, the "political arena" is one of the fate-making arenas that, by accurately recognizing its functions, opportunities, and threats facing society, understanding and moving towards Islamic civilization is facilitated. Evaluating the consequences of dependence on the arrogant and recognizing the challenges of hypocrisy and the domination of the divine flow are examples of these functions.

Keywords: Future studies, foresight, Infallibles, leaders of the Islamic Revolution.

کارکردشناسی سیاسی آینده‌نگری در کلام معصومین و رهبران انقلاب اسلامی ایران

محمد شهبازی

استادیار معارف دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول).

Email: shahbazi62@iust.ac.ir

0000-0000-0000-0000

علیرضا جانعلی زاده بنچاری

دانش پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم.

Email: janalizadeh313@gmail.com

0000-0000-0000-0000

چکیده

آینده‌پژوهی و اهمیت آن در ساحت اندیشه و کنشگری امری گریزناپذیر است. تحقق آینده‌ای مطلوب و نجات از آینده‌ی ممکن و محتمل پرمخاطره، رسالتی است که آینده‌پژوهان مطالعه آن را ضروری می‌دانند. توجه آموزه‌های دینی به آینده‌زیست‌امت، همواره ترسیم چشم‌انداز و تبیین آسیب‌ها را در پی داشته است. روایت‌های آینده‌نگرانه معصومین (علیهم‌السلام) به‌عنوان صاحبان علم لدنی و فرهیختگان مکتب اسلام، ناظر به پژوهیدن در آینده‌ای است که واگرایی در آن خسارات جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. پیامبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از طریق اخبار از حوادث آینده متذکر اهمیت مطالعه چالش‌های آینده مطلوب بوده‌اند؛ مسائلی که محدود به بازه زمانی خاصی نبوده، قابلیت استخراج مناط و معیار برای آیندگان در آن وجود دارد. این تحقیق به روش تحلیل و بررسی نقل تاریخی بوده و روشن کرده است که رهبران انقلاب اسلامی برخاسته از حوزه‌های علمیه به سبب تفقه، شناخت دقیق سیره معصومان و زمان‌شناسی، به الزامات پیش روی آینده‌امت پرداخته‌اند و در این میان، «عرصه سیاسی» یکی از عرصه‌های سرنوشت‌سازی است که با شناخت دقیق کارکردهای آن، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی جامعه درک و حرکت به سوی تمدن اسلامی تسهیل می‌شود. پیامد سنجی وابستگی به مستکبران و شناخت چالش‌های نفاق و استیلا جریانی الهی از نمونه این کارکردها هستند.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، آینده‌نگری، معصومین، رهبران انقلاب اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۵، بهار ۱۴۰۴، صص ۴۳-۶۶



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: 10.22034/rir.2025.488134.1054

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نقرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و با نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

۱. مقدمه و بیان مسئله

ساخت آینده مطلوب، مبتنی بر شناخت عناصر سازنده آن بر اساس اصول و مبانی آینده‌پژوهی است. از مهم‌ترین اهداف مطالعات آینده‌پژوهی، ارتقای سطح زندگی آدمی و رشد و توسعه آینده‌نگری است. با واریسی دقیق متون اصیل دینی (قرآن و روایات) روشن می‌شود که توجه به آینده، اصالت و پیشینه‌ای عمیق داشته و دعوت انسان به تفکر و تدبیر و برنامه‌ریزی و شناخت آسیب‌ها و آفت‌ها از جمله برایندهای توجه دین به آینده بوده است. در این پژوهش، توجه اهل بیت (علیهم‌السلام) و در دوران معاصر، امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، رهبران انقلاب، به آینده امت اسلامی، در ساحت گزارش‌های تاریخی آینده‌نگرانه مطالعه شده است. آینده‌نگری اهل بیت علیهم‌السلام خبر قطعی از آینده‌ای است که تنها از علم غیب پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) صادر می‌شود، اما آینده‌نگری رهبران انقلاب بیان بروز حوادث واقعی قبل از وقوع، بر پایه تحلیل اطلاعات در دسترس و بر اساس اصول و قواعد علمی است (عزتی، ۱۳۷۷). از جمله عوامل آینده‌نگری رهبران انقلاب، درک صحیح از رفتار و سیره معصومان (علیهم‌السلام) نسبت به حوادث مختلفی است که بر ماورای رخدادهای جهان مادی اشراف یافته، چالش یا بشارت مرتبط با آینده را بیان می‌کنند. در عصر معصومان آینده‌نگری‌هایی صورت گرفته که در کارکرد آن می‌توان به فرا عصری بودن آن اشاره کرد، یعنی متوقف به بازه زمانی محدود نبوده، در طول زمان‌های مختلف هم کارکرد دارند؛ به‌طوری‌که در عصر غیبت معصوم (ع) فقیه بصیر به زمانه، به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی می‌تواند با تحلیل آن گزاره‌های دینی و تاریخی، جریان‌های آینده را بشناسد و با توانایی و قدرت بینش قوی نسبت به آینده، تدابیر مناسب و امکانات لازم را طراحی کند و جامعه را نسبت به امید یا خطر آفرین بودنش هشیار نماید.

پژوهش حاضر با استفاده از روش نقل تاریخی و تحلیل گزارش‌ها، به دنبال پاسخ به این پرسش است که «کارکردشناسی سیاسی آینده‌نگری در کلام معصومین و رهبران انقلاب در چه اموری می‌تواند باشد؟»

ضرورت پاسخ به این پرسش در اصل، کشف ظرفیت پنهان روایات آینده‌پژوهانه معصومان است که موجب ارتقای سطح علمی در سیره‌پژوهی اهل بیت (علیهم‌السلام)

و شناخت دقیق‌تر کارکردهای سیاسی خواهد شد. این امر در تبیین و حل عقب افتادگی‌های مسائل سیاسی نقش بسزایی ایفا خواهد کرد، چراکه مهم‌ترین چالش‌ها در زمینه بازتولید فرهنگی در دنیای امروزی، ریشه در منازعات نخبگان سیاسی دارد که به صورت عدم اجماع و اختلاف و ائتلاف سرمایه در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی خود را نشان می‌دهد (دارابی، ۱۳۹۶ و کاظمی و بصیرنیا، ۱۳۹۹). به طور مثال وقتی در جامعه‌ای روزبه‌روز ظلم و فساد بیشتر می‌شود، آدمی به تدریج ناامید شده، انگیزه رشد را از کف می‌دهد، اما وقتی از آینده‌نگری اولیای دین تحقق آینده مطلوب را فهم کند، به تغییر اوضاع امیدوار خواهد شد؛ بنابراین وقتی رهبران امت به مردم این امید را می‌دهند که جریان ظلم پایان‌پذیر است، در بدنه جامعه نشاطی ایجاد می‌شود که آن را فعال و پویا و از خمودگی نجات می‌دهد.

۲. چارچوب نظری

مدیریت آینده یکی از راهبردهای اساسی برای اداره جامعه انسانی است. آینده‌پژوهی درصدد بررسی و ارزیابی نظریات آینده‌های بدیل (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۳) است که می‌توانند واقع شوند (آینده‌های ممکن) یا احتمال وقوع دارند (آینده‌های محتمل) یا باید واقع شوند (آینده‌های مطلوب) (عنایت‌الله، ۱۳۹۳: ۷). در این تحقیق تلفیقی از مطالعات آینده‌پژوهانه و بررسی سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) در توجه به آینده مطلوب مورد مطالعه قرار گرفته است. پیش‌فرض نویسنده بر اساس هدایت‌گری و منجی بودن ولی خداست که در تمام عرصه‌ها و معرکه‌ها چون پدری دلسوز به فکر هدایت انسان‌ها به بهترین مسیر و نجات از چالش‌های فردا است. از این رو توجه او به آینده از باب رسالت هدایت‌گری و شفاف‌سازی حق از ناحق قابل مطالعه است.

۳. پیشینه پژوهش

در مطالعات پیشینه‌شناسی، پیشینه‌ای منطبق با این پژوهش یافت نشد. البته کتاب‌هایی به بیان آینده‌نگری در سیره اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته‌اند؛ اما فقط محدود به اثبات حقانیت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در دوره حضورشان بوده و کارکردهای سیاسی آن را هم متذکر نشده‌اند. کتاب «پیشگویی‌های علی بن ابیطالب علیه‌السلام» صرفاً به موارد پیشگویی امیرالمؤمنین در دوره حضور ایشان با کارکرد

اثبات حقانیت ائمه اطهار پرداخته و از کارکردشناسی آینده‌نگرانه آن سخنی به میان نیاورده است (نجفی یزدی، ۱۳۷۸).

در کتاب «اخبار غیبی یا پیشگویی‌های پیامبر اعظم»، نویسنده به پیشگویی و اخبار غیبی در حد بیان کرامت پرداخته و کارکردشناسی آن‌ها را بیان نکرده است (واصف، ۱۳۹۱). از دیگر آثار مرتبط با این پژوهش، کتاب «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی؛ بیم‌ها و امیدها» (دارابی، ۱۳۹۶) و کتاب «تحلیلی بر چارچوب مطالعات آینده انقلاب اسلامی» (عیوضی، ۱۳۹۴) است که با وجود داشتن نکات و مباحث ارزشمند، به موضوع تحقیق ورود نکرده و بیشتر به مباحث تحولات حوزه فرهنگی اجتماعی کشور پرداخته است.

برخی کتاب‌ها هم صرفاً آینده‌نگری‌های رهبران انقلاب اسلامی را ذکر کرده‌اند، بدون اینکه نقطه اتصالی بین آینده‌نگری در سیره ائمه اطهار و قدرت آینده‌نگری در رهبران جامعه اسلامی بیان کنند. کتاب «پیش‌بینی‌های حکیمانه» (مطهری، قوامیان، ۱۳۹۸) موارد پیش‌بینی حکیمانه امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب را بیان نموده، اما به کارکردهای سیاسی نپرداخته است. مقالات دیگری در این زمینه نوشته شده است، از جمله «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی ناظر به مسائل فرهنگی اجتماعی امروز» (قربانی، ۱۴۰۱) که بیشتر ناظر به آینده‌پژوهی انقلاب در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی بوده است. مقاله «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی» (ناصری، ...) هم به مباحث آینده سیاسی پرداخته و هرگز به موضوع تحقیق ورودی نداشته است.

۴. روش‌شناسی

روش‌شناسی این تحقیق مبتنی بر تحلیل محتوا و تأسیس اصول از تحلیل‌های موجود و یافت نمونه آن در بیانات رهبران انقلاب است. به بیان دیگر مطالعه تاریخ سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) ما را به گزاره‌هایی رهنمون می‌کند که در آن حضرات معصومین آینده‌نگری‌های را در مباحث مختلف مطرح نموده‌اند. بعد از مطالعه ابعاد مختلف این گزاره‌ها و تحلیل آن‌ها، اصولی کارکردگرایانه به دست می‌آید که هر کدام به‌نوبه خود سهمی از الزامات رسیدن به آینده مطلوب و نجات از خطر‌ها و آسیب‌های آن را بیان می‌دارند. بررسی تطبیقی این اصول با بیانات رهبران انقلاب و

ملاحظه ضرورت فرا عصری آن‌ها، اهمیت الزامات را مضاعف ساخته، به‌عنوان کارکردهای سیاسی در عرصه‌های مختلف واکاوی می‌شود.

۵. مفهوم‌شناسی

«آینده» در لغت به کسی یا چیزی که می‌آید گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۶: مدخل آینده). آینده‌نگری و آینده‌پژوهی تقریباً معادل لفظ تدبیر در عربی است که به معنای بررسی کردن عواقب کارها و مصالح را سنجیدن و بر طبق آن عمل کردن است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۵۹۳). منظور از آینده‌نگری در این تحقیق گسترش افق دید خود و دیدن پشت پرده مسائل و چاره‌اندیشی برای رخدادهای احتمالی آینده است. منشأ و منبع آینده‌نگری در کلام معصومین (علیهم‌السلام) بیشتر جنبه فرا مادی داشته و در ارتباط با عالم غیب به کار می‌رود که بُعد معنوی و دینی دارد. همچنان که در زبان انگلیسی^۱ هم واژه پیامبر و پیشگو از یک ماده هستند. واژه «کارکرد» نیز به معنای عمل و کار، اندازه و مقیاس کار انجام‌شده است (معین ۱۳۸۶: مدخل کارکرد).

۶. کارکردهای سیاسی در آینده‌نگری‌ها

۶-۱. پیامدسنجی وابستگی و اعتماد به مستکبران

از کارکردهای سیاسی آینده‌نگری در سیره معصومین (علیهم‌السلام) و رهبران انقلاب، پیامدسنجی وابستگی و اعتماد به مستکبران است. وابستگی و اعتماد به مستکبران در قرآن و روایات نهی و در سرتاسر متون دینی هشدارها و تحذیرهای زیادی نسبت به آن صادر شده است (هود/ ۱۱۳).

در برپایی جنگ جمل به دست ناکثین علیه خلیفه و حاکم جامعه اسلامی، عده زیادی از مردم به دلیل سابقه طلحه و زبیر در اسلام و صحابی رسول خدا بودن آنان، در حقانیت امام علی علیه‌السلام دچار تردید شده بودند. امیرالمؤمنین علی (ع) در قالب سخنانی درباره اختلاف طلحه و زبیر با یکدیگر، به مشروعیت‌زدایی از آنان پرداختند تا لشکری که از جامعه اسلامی به بهانه خونخواهی عثمان با ناکثین همراه شده، به انحراف عاملان جنگ علیه امام (ع) و حاکم جامعه اسلامی پی ببرند. وقتی به حضرت علی (ع) خبر حرکت طلحه، زبیر و عایشه و سپاهیان آن‌ها سمت بصره

^۱. Prophet

رسید، بر منبر رفتند و فرمودند: «به خدا قسم اگر آن دو به آرزوی خود پیروز شوند که هرگز نمی‌شوند، قطعاً میان آن دو اختلاف افتاده، به‌گونه‌ای که یکی از آن‌ها گردن دیگری را خواهد زد. هم‌اکنون فتنه‌ای از جانب گروه شورشی برپا شده است. کجایند اهل ایمان و آن‌ها که برای حق تلاش می‌کنند؟!» (رضی، ۱۳۸۴: ۳۱۲) طلحه و زبیر گرچه از جنگ جان سالم به در نبردند، اما علائم و قرائن اختلاف از همان آغاز به دلیل ریاست‌طلبی در میان آن‌ها ظاهر شده بود و به همین جهت هیچ‌کدام از آن دو به امامت دیگری راضی نبود و می‌خواست خودش امام جماعت شود. از دید توده پیمان‌شکنان، هر کس نماز جماعت را اقامه کند رهبر آینده خواهد بود، فلذا بین آن‌ها آن قدر اختلاف روی داد که نزدیک بود آفتاب بزند و این‌ها هنوز نماز نخوانده بودند. عایشه پادرمیانی کرد و گفت، هیچ‌کدام نماز نخوانید و به عبدالله بن زبیر فرمان داد نماز را بخواند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۷: ۲: ج ۲).

درباره کارکرد ابعاد فرا عصری دیدگاه ائمه (علیهم‌السلام) می‌توان گفت، در دوران مختلف، از صدر اسلام تاکنون افراد ضد ارزش همواره به دنبال منافع شخصی خود، حتی حاضر بوده‌اند هم‌پیمانان خود را بعد از انقضای تاریخ مصرفشان، یا به خاطر منافع دیگر، کنار بگذارند یا از بین ببرند! این همان پیامد وابستگی و اعتماد به استکبار است که در صفحات مکرر تاریخ و هر کجا که رخ داده، برای مدعیان جبهه حق نتیجه‌ای جز ذلت نداشته است. این امر در طول سال‌های مختلف، در قدرت آینده‌نگرانه رهبری امام خمینی (ره) هم مشاهده می‌شود. در دوران جنگ تحمیلی وقتی سران مزدور کشورهای منطقه به دستور استکبار جهانی علیه ایران اسلامی متحد شده، خوش‌خدمتی می‌کردند، امام خمینی ضمن برحذر داشتن آن‌ها، عاقبت این خودفروختگی را چنین گوشزد نمودند: «بر قدرت‌ها آن موقعی که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمی‌ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت، ارزش و مفهومی ندارد. آنان منافع خود را ملاک قرار داده‌اند» (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰: ۳۲۹)، چنانکه سرانجام، عاقبت و سرنوشت مزدورانی مانند صدام، حسنی مبارک، عبدالله صالح، قذافی و... نمونه‌های بارز و عبرت‌انگیزی برای تاریخ شد.

در عرصه‌ای دیگر، امام خمینی (ره) با شناخت عمیق از پیشینه تاریخی و دل‌بستگی ملت مصر به اسلام و روحیه ضد استکباری فرمودند: «این رئیس‌جمهور تحمیلی ثانی [مبارک] که خیال دارد در مصر مثل آن [انور سادات] حکومت کند و درست خودش را در اختیار آمریکا گذاشته است؛ قبل از اینکه به ریاست برسد، همبستگی خود را با آمریکا و اسرائیل اعلام کرده بود. ندیده است که همان‌طوری که سلف صالحش به واسطه خشم ملت به جهنم واصل شد همین عمل را با او هم خواهند کرد» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۲۸۵). رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای هم در پیش بینی از روحیه انقلابی مردم مصر جهت مقابله با این مزدوران بیان داشته‌اند: «ملت مصر مسلمان و دارای سابقه در اسلام است. این ملت، ملت غیوری است که حاضر نیست خیانت سران خودش را تحمل کند و با آن‌ها درگیری پیدا می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۲/۰۲/۰۸) بعد از مدتی با حرکت طوفانی ملت مصر و به زیر کشیدن فرعون سه دهه مصر، پیش‌بینی ایشان آشکار گشت.

به این موارد می‌توان تحقق هشدار رهبر انقلاب در خطبه عربی نماز جمعه، به سران کشورهای منطقه مبنی بر لزوم عدم اعتماد به بیگانگان را افزود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) که زندانی شدن «محمد مُرسی»، نخستین رئیس‌جمهور مصر، بعد از سرنگونی حسنی مبارک، پس از اعتماد به بیگانگان و سرنگونی حکومتش با کودتا و عدم تلاش بیگانگان برای نجات او، بعد از این پیش‌بینی اتفاق افتاد.

۲-۶. شناخت زمینه‌های استیلای جریان باطل

دیگر کارکرد سیاسی در سیره آینده‌نگرانه معصومان، شناخت زمینه‌های استیلای جریان باطل است تا با هشدار دادن، در مردم نسبت به افرادی که با روی کار آمدنشان اقداماتی در راستای تضعیف جامعه در جوانب مختلف انجام خواهند داد، احساس خطر ایجاد نماید و مردم با آگاهی، پیامد رفتارهای خود را در آینده در نظر بگیرند. علاوه بر این با توجه به نقش مهم افراد در مناسبات مختلف اجتماعی، اهل بیت (علیهم‌السلام) با مشاهده زمینه‌های استیلای جریان باطل نسبت به اجتماع و توده مردم آگاه‌سازی نموده‌اند تا پیامد سستی و اهمال در همراهی با امام جامعه و نصرت او در مقابل مدعیان خلافت و این را بدانند که اگر امتی رهبران الهی جامعه را تنها بگذارد، در آینده گرفتار رهبران شیطانی و استیلای جریان باطل خواهد شد.

یکی از پیشگویی‌های حضرت علی علیه‌السلام درباره «حجاج بن یوسف ثقفی» چنین بوده که حضرت بعد از اندوه و ناراحتی از بی‌وفایی‌های متعدد کوفیان به آن‌ها فرمود: «أَمَّا وَ اللَّهِ لَيَسْلَطَنَّ عَلَيْكُمْ غُلَامٌ ثَقِيفٌ، الذِّيَالُ الْمِيَالُ، يَأْكُلُ خَضِرَتَكُمْ وَ يَذِيبُ شَحْمَتَكُمْ؛ إِيَّهٖ أَبَا وَدَحَةَ» آگاه باشید، به خدا سوگند، پسر قبیله ثقیف بر شما چیره خواهد شد. مردی متکبر است که دامن‌کشان می‌رود و از حق رویگردان است. همه داراییتان را چون حیوانی که سبزه را بچرد خواهد خورد و پیه تنتان را خواهد گذاخت. بس کن ای ابو ودحه. (مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۴۰)

مفسران نهج‌البلاغه (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۴۵) گفته‌اند منظور از «غلام ثقیف»، «حجاج بن یوسف ثقفی» است که از قبیله «بنی‌ثقیف» بود و در دوران حکومت «عبدالملک مروان»، به‌عنوان والی کوفه انتخاب شد. او مردی بسیار سنگدل، خونخوار، پست و آلوده بود که عبدالملک مخصوصاً او را برای انتقام از مردم کوفه و خاموش کردن شعله‌های قیام بر ضد بنی‌امیه انتخاب کرده بود. همان‌گونه که امام علی (ع) پیشاپیش، از او و حکومتش هشدارهایی داده بودند، حجاج بر هیچ‌کس و هیچ‌چیز رحم نکرد، اموال مردم را غارت می‌نمود، از خون‌ریزی هراسی نداشت و چنان مردم در زمان او زیر فشار قرار گرفتند که به گفته حضرت، از آن‌ها تنها استخوان و پوستی باقی ماند. مسعودی در مروج الذهب نقل کرده است که حجاج در مدت ۲۰ سال حکومت خویش، ۱۲۰ هزار نفر را گردن زد و این تعداد غیر از کسانی بودند که در میدان جنگ علیه او دست به شمشیر بردند و به دست سپاهیان او کشته شدند (مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ج ۴، ۴۲۱) با توجه به جنایات حجاج، امام محمد بن عرفه و محققانی که تابع وی بودند، کفر حجاج را اختیار کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ۸۱/).

در کارکرد سیاسی این گزارش آینده‌نگر می‌توان گفت، یکی از وظایف رهبر دینی تعیین نقطه خطر، تحذیر و هشدار اجتماعی مردم نسبت به جریان‌های موجود و در حال ظهور است تا مردم هوشیار و بیدار شوند و بدانند که با بی‌تفاوتی و عدم نقش‌آفرینی مقدمه استیلای کفر را فراهم می‌کنند و برای خود و امت اسلامی، سرنوشتی عذاب‌آور را رقم می‌زنند. همین سیره را در بیان رهبر فقید انقلاب، امام خمینی (ره) می‌توان یافت. وقتی ایشان در تبعید به نجف در سال ۱۳۴۷ نشانه‌های

قدرت حزب بعث را مشاهده کرد که جهت جلب‌توجه مردم، در مخالفت شدید با رژیم صهیونیستی، علیه اسرائیل تظاهرات راه انداختند، از همان روزهای اول با رصد زمینه‌های استیلای حزب بعث، این توطئه را در جمع دانشجویان و طلاب عراقی شناسایی کردند و فرمودند: «شما روزهای سیاهی در پیش دارید. این‌طور که زمینه است شما روزهای بدی خواهید دید. این‌ها خواب‌های خیلی عمیقی برای شما دیده اند. شما موظفید که مجهز شوید در مقابل بایستید، اگر مجهز نشوید و ایستادگی نکنید، هم خودتان به فنا می‌روید و هم اسلام شما را مسئول می‌داند» (روحانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۴۸) همان‌طور که امام فرموده بودند حوادث به وقوع پیوست. ایشان به‌عنوان رهبر دینی با بینش قوی و نگاه به آینده، علاوه بر تحذیر و هشدار به مردم از خطر حزب بعث، آن‌ها را به مقاومت و ایستادگی در برابر ظالمان نیز دعوت کرده بودند.

در جایی دیگر، امام خمینی علاوه بر تعیین نقطه خطر برای مردم عراق، با توجه به شناختی که از حزب بعث داشتند، مردم کشورهای حوزه خلیج فارس را هم خطاب قرار داده و خطر صدام را گوشزد کرده بودند: «در روحیه صدام این تبهکاری، آدمکشی و جنایت است. اگر خدای ناخواسته یک سلطه‌ای پیدا کند حجاز را از بین می‌برد. سوریه را از بین می‌برد. این کشورهای خلیج فارس را، کویت را هم. همه این‌ها را از بین خواهد برد» (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷/۸۵). (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷، ۸۵)

امام خمینی در سخن دیگری خطاب به سران کشورهای عربی و حامیان صدام فرموده‌اند: «از این کار بپرهیزید که روزی آتش این فتنه دامن خودتان را می‌گیرد. نه تنها صدام از خلق و خوی سبعت و درندگی ذره‌ای عدول ننموده، بلکه متأسفانه با حمایت جهان‌خواران یا سکوت سازمان‌ها و مراکز بین‌المللی به گرگ زخم‌برداشته‌ای بدل شده و می‌رود تا شعله‌های جنگ و آتش را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج فارس برافروزد» (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰/۳۲۸) (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰، ۳۲۸)

. بعد از اینکه صدام در جنگ هشت‌ساله با ایران نتوانست پیروز شود، به این نتیجه رسید که نیروی عظیم و تجهیزات نظامی خود را به سمت کشور کویت حرکت دهد و با این تصمیم، هشدارهای امام خمینی به وقوع پیوست. نیروی‌های بعث از همان بزرگراهی که حکام کویت برای پشتیبانی از نیروهای صدام در زمان جنگ تحمیلی

علیه ایران احداث کرده بودند، به سرعت پیشروی و کویت را اشغال کردند و ثروت‌های آن کشور را به غارت بردند (هاشم و مطلق، ۱۳۸۷: ۴۵) و مشکلات بسیاری برای آن کشور ایجاد کردند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عدم همراهی با رهبر دینی و شرکت نکردن در صحنه‌هایی که بیانگر وفاداری و تعلق به نظام اسلامی است می‌تواند پیامدهایی برای جریان‌های ضد اسلامی باشد. باید با همراهی و وفاداری به امام جامعه اسلامی جلوی این خطر ایستاد و از تحذیر و هشدار امام جامعه عبرت گرفت.

۳-۶. روشنگری مخاطرات تحجرمآبی

«متحجران» از جمله گروه‌هایی هستند که مخاطراتشان در امت اسلام، معصومین و رهبران الهی را به هشدارهای آینده‌نگر و تحذیر و مراقبت از این نخله منحرف فکری واداشته‌اند. این افراد درباره آموزه‌ها و آیین اسلام عقیده‌ای کاملاً بسته و غیرمنعطف دارند. انسان متحجر کسی است که عقل و دل او از پذیرش سخن حق و معجزه‌های آشکار خداوند و پیروی از دستورهای الهی، مقاومت می‌ورزد و همچون سنگی که چیزی در آن فرو نمی‌رود، در برابر مشیت الهی مقاومت می‌کند. (محقق فریدونی، ۱۳۸۳: ۱۵) «خوارج» از مصادیق متحجران در تاریخ هستند. عدم پذیرش سخن حق در خوارج متحجر در جریان حکمیت نمایان شد؛ تا حدی که در نهروان به مقابله و جنگ علیه امام جامعه اسلامی اقدام کردند. امام علی (ع) علاوه بر پیشگویی‌های قبل از جنگ با خوارج، به استمرار جریان فکری خوارج اشاره نمودند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۷: ۲۷۷) حضرت پس از شکست خوارج و هنگامی که از کنار کشته‌های آنان عبور می‌کرد، خطاب به آن‌ها فرمود: «آن کسی شما را به کشتن داد که ابتدا فریبتان داده بود». پرسیدند: «او کیست؟» فرمود: «شیطان و نفس‌های پلید!» اصحاب گفتند: «خداوند، ریشه آنان را تا پایان دنیا قطع کرد؟» آن حضرت پاسخ داد: «خیر؛ سوگند به آن کسی که جانم در دست او است، آنان در صلب‌های مردان و رحم زنان خواهند بود و پی‌درپی خروج خواهند کرد تا آن‌که به سرکردگی شخصی به نام "اشمط" بین رودهای دجله و فرات خروج کنند و از آن پس هیچ قیامی از خوارج تا روز قیامت نخواهد بود» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۰۷)

اگرچه گروه بسیاری از خوارج در جنگ نهروان به هلاکت رسیدند؛ اما می‌دانیم که بر اساس پیشگویی حضرت امیرالمؤمنین (ع) تفکر خوارج و تکفیری تا امروز نیز از بین نرفته و این پیش‌بینی امام، امروز در قالب گروه‌های تکفیری و نظایر آن به واقعیت پیوسته است. پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «زمانی فرامی‌رسد که در بین اتمم گروهی بیایند که خوب سخن گویند، اما کردارشان بسیار زشت است. دیگران را به کتاب خدا فرامی‌خوانند، اما هیچ آگاهی‌ای از آن ندارند» (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۱۲۳) که با توجه به بیانات متعدد امام علی (ع) دربارهٔ خوارج، این توصیف پیامبر (ص) بر آنان تطبیق داشته است.

در کارکرد این آینده‌نگری می‌توان اشاره کرد به اینکه پیامبر (ص) و امام علی (ع) به‌عنوان رهبران دینی، به‌صورت فرازمانی خطر جریان متحجران، با ظاهری مسلمان اما افکاری افراطی و منحرف را تحذیر و هشدار داده‌اند. به همین ترتیب، آیت‌الله خامنه‌ای نیز در دههٔ ۱۳۷۰، با عنوان وحدت بین جوامع اسلامی مطرح فرموده‌اند: «چه فایده‌ای دارد که در داخل جامعه اسلامی، مسلمانان از مذاهب مختلف، روبه روی هم بایستند و به همدیگر ضربه بزنند. از آن طرف هم دشمن بیاید، هر دوی این‌ها را محاصره کند!» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۰۷/۰۱) ثمرهٔ این توجه جهان اسلام به وحدت مسلمانان در دهه ۱۳۹۰ شمسی، وقتی آشکار شد که فرقه‌ای به‌ظاهر مسلمان به نام «دولت اسلامی عراق و شام» مشهور به «داعش»، مدعی حکومت اسلامی گشت.

بنابراین رهبر انقلاب، با قدرت آینده‌نگری و بینش قوی نقطه خطر را از سال‌ها قبل برای آیندهٔ مسلمانان تبیین کردند تا با بصیرت کافی فریب ظاهرشان را نخورده، از جوامع اسلامی طرد و باطن خبیثشان برای همه آشکار شود و شر آنان دفع گردد. چه‌بسا اگر ملت‌های مسلمان آن‌طور که باید، برای تحقق وحدت نقش‌آفرینی می‌کردند، از ضربه‌ها، خشونت‌ها و انحرافات برخاسته از تفکر انحرافی داعش در دنیا پیشگیری می‌شد.

۶-۴. تبیین چالش‌سازی منافقین

واژهٔ «منافق» از ریشهٔ نفق و نفاق، به معنی خارج شدن و تمام شدن است؛ اما در اصطلاح منافق کسی است، در باطن کافر و در ظاهر مسلمان (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۷).

۹۸) به عبارت دیگر منافقان افراد بی‌ایمانی هستند که ظاهری مسلمان بوده، اما در حقیقت دل در گرو کفر دارند. نبی مکرم اسلام نسبت به کارشکنی‌ها و خیانت‌های منافقان احساس خطر کرده، نسبت به مخاطرات وجود آنان در جامعه اسلامی هشدار می‌دادند: «من برای ائمتّم نه از مؤمن می‌ترسم و نه از مشرک؛ زیرا مؤمن را ایمانش مانع [از لطمه زدن به جامعه اسلامی] می‌شود و مشرک را خداوند به سبب شرکش از پای درمی‌آورد؛ اما ترس من برای شما از منافق زبان‌بازی است که مطابق اعتقادات شما سخن می‌گوید و برخلاف آنچه معتقدید عمل می‌کند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۵: ۱۷۰). البته پیچیدگی نفاق در زمان امیرالمؤمنین سخت‌تر شد (سلیمانی، ۱۴۰۲: ۴۹). کارکرد شناخت چالش‌سازی منافقان را که افراد باسابقه در اسلام بودند، در سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) می‌توان در آشکارسازی هویت آنان مشاهده نکرد تا مردم فریب نخورند و با آنان همراهی نکنند: «ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم و از منافقان بر حذر می‌دارم. منافقان، گمراهان و گمراه‌کنندگانند. خود خطاکارند و دیگران را هم به خطا اندازند» (رضی ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۰۷).

روایت است که وقتی امیرالمؤمنین (ع) مردم را برای حرکت به سوی نهر روان ترغیب می‌نمود، برخی از اهل کوفه همانند «جریر بن عبداللّه بجلي»، «عمرو بن حرث»، «شيث بن ربعی» و «اشعث کندی» از دستور امام سرپیچی کردند. امام نفاقشان را آشکار کرده، فرمودند: «شما می‌خواهید با این سرپیچی مردم را از من بازدارید. گویا شما را در منطقه خورنق می‌بینم که سفره طعامتان را پهن کرده‌اید...» امام به راه خویش ادامه داد تا به مدائن رسید. در ادامه، همان‌گونه که امام بیان کرده بودند آنان بیعت با امام را لغو و تمسخر کردند و پس از مدتی که به امام ملحق شدند، حضرت فرمود: «امروز شما هم گروهی از منافقین هستید! ای شيث، عمرو بن حرث بدان که فرزند تو، فرزندم امام حسین (ع) را می‌کشد و وای بر کسی که پیامبر اکرم (ص) و فاطمه، دشمنش باشند» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۲۶) پس از مدتی، هنگامی که امام حسین (ع) به کربلا رسید، همین افراد برای جنگ با او، از کوفه روانه نینوا شدند و در قتل امام شرکت کردند (طبری، ۱۴۱۳، ج ۵: ۴۲۵؛ کلینی، ۱۳۴۲، ج ۸: ۱۶۷؛ بلاذری ۱۴۱۷: ۲، ۲۹۶).

آنچه از کارکرد آینده‌نگری امام قابل مشاهده است، ناظر به ابعاد فرا عصری معصومان بوده که رهبر جامعه دینی، به تبیین و روشن‌نگری و شناخت هویت منافقان پرداخته‌اند تا از طرفی برخی از دسیسه‌ها و افکار شیطانی آن‌ها برملا گردد و با انزوای آنان و آگاه ساختن مردم، از تبعات و پیامدهای رفتارشان کاسته شود. با توجه به اینکه جریان نفاق محدود به دوره خاصی نبوده و با عنوان شرک پنهان در روایات به آن اشاره شده است، یکی از وظایف رهبر جامعه اسلامی شناخت جریان نفاق و شناساندن آن به جامعه اسلامی است تا با انذار و بر حذر داشتن جامعه، مردم را از خطرشان آگاه کند و از آسیب‌های آتی پیشگیری نماید. این قدرت تحلیل ناظر به آینده در سخنان امام خمینی (ره) در برابر سازمان مجاهدین، پس از آشکار کردن علنی هویتشان به منافقین مشهود است؛ درحالی‌که برخی از بزرگان انقلاب اسلامی در ابتدای تشکیل این سازمان عضویت داشتند یا از آن پشتیبانی می‌کردند و از سهم امام (ره) برای این تشکیلات هزینه می‌کردند، غافل از اینکه این سازمان فقط در ظاهر به اسلام و قرآن تمسک می‌جوید و در عمل از اندیشه مارکسیستی پیروی می‌کند.

بنابراین، امام خمینی (ره) از همان ابتدا به روحیه افراطی و غروراندیشی و سهم خواهی سران منافقین پی بردند. روزی روحانی سازمان منافقین در ابتدای اقداماتشان با امام دیدار و سعی کردند این باور را برای ایشان ایجاد کنند که این گروه با اهداف اسلامی به پا خاسته است و حتی آیه‌هایی از قرآن را خواند، اما امام خمینی (ره) از همان ابتدا با دوراندیشی و آینده‌نگری به انحراف آن‌ها پی برده، فرمودند: «گرچه برخی علمای بلاد در حمایت از این‌ها به من نامه نوشتند و حتی برخی وجوهات را در اختیارشان قرار داده و هنوز هم به من فشار می‌آورند که از آن‌ها حمایت کنم، لیکن من آن‌ها را یک جمعیت منحرف و گمراه می‌دانم و هیچ‌گونه حمایتی از آن‌ها نمی‌کنم. من خطر این‌ها را برای اسلام از مارکسیست‌ها بیشتر می‌دانم» (روحانی، ۱۳۸۷: ج ۳، ۶۵۲) این آشکارسازی هویت منافقانه مجاهدین خلق، نوعی مصون سازی امت اسلام از مخاطرات کنشگری منافقان از سوی امام جامعه است. شناخت ویژگی‌های منافقان بر تک‌تک اعضای جامعه لازم است تا با شناخت دقیق جریان

نفاق و چالش‌های پیش رو اجازه تعدی و نفوذ در ارکان حاکمیتی را پیدا نکرده، موجبات خسارات جبران‌ناپذیر را فراهم نکنند.

۵-۶. استیلای جریان الهی بر کفر

از کارکردهای سیاسی آینده‌نگری در سیره معصومان امید به استیلا و پیروزی جریان الهی بر کفر و باطل است. پیامبر اکرم (ص) از ابتدای رسالت خود، نامه‌هایی به سران کشورهای مختلف فرستاد و آن‌ها را به اسلام دعوت کرد. از جمله این سران، خسرو پرویز حاکم ایران بود. پس از آنکه نامه به دست خسرو پرویز رسید، به استاندار یمن دستور داد تا پیامبر اسلام را دستگیر کند و به ایران بفرستد. وقتی سربازان از یمن به مدینه، برای دستگیری پیامبر اکرم رسیدند، حضرت از هدف آنان آگاه شدند و بدون هیچ‌گونه خوف و هراس به آنان فرمودند: «به یمن بازگردید و به "باذان" بگویید خداوند، شیرویه فرزند خسرو پرویز را بر او مسلط کرد و او را به قتل رسانید و دین و قدرت من به سرزمین ایران خواهد رسید و همه جهان را فرا خواهد گرفت». (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۴: ۲۵۴) پس از مدت کوتاهی با فحش و جست‌وجو متوجه تحقق صدق وعده پیامبر اسلام (ص) شدند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ۲۱۹).

در کارکرد آینده‌نگری نبوی، اضمحلال کفر و استیلای جریان حق، این نقطه امید و بشارت را برای اطرافیان ایجاد می‌کند که سلطنت و پادشاهی نابود شدنی است و آنچه استیلا می‌یابد، حاکمیت اسلام است. همچنین حکومت طولانی و امکانات فراوان موجب نمی‌شود، رهبر جریان حق به خود هراسی راه دهد، بلکه عزت نفس و شجاعت او در برابر سلطنت بلندمدت فردی مانند خسرو پرویز نشان‌دهنده کارکرد سیاسی سیره نبوی است.

آینده‌نگری رهبران دینی جامعه که در اعصار مختلف با جریان کفر و طاغوت درگیر بوده‌اند درس آموز است. بینش آینده‌نگری استیلای جریان حق بر کفر، در رهبری امام خمینی هم دیده شده است. پس از کشتار مردم در مدرسه فیضیه قم توسط رژیم پهلوی، اضطراب و تشویش زیادی بین مردم حاکم شد، اما امام خمینی در سخنرانی خود، بیم و هراس مردم را به امید و آرامش بدل کرد و آن حادثه را مقدمه استیلای جریان حق دانست: «نگران و ناراحت نشوید، مضطرب نگردید؛ چراکه دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت خود را رسوا و مفتضح ساخت. با دست زدن به

این فاجعه شکست و نابودی خود را حتمی ساخت. ما پیروزیم» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۶) این بیان امیدافزای امام از پیروزی انقلاب اسلامی، برای بسیاری از مبارزان که نهضت را نابودشده قلمداد می‌کردند عجیب بود، اما درعین حال به آن‌ها روحیه می‌داد. بعد از پانزده سال این پیش‌بینی به وقوع پیوست؛ زیرا قاعده این است: رژیم‌های استبدادی که بر مردم متکی نباشند، پایدار نمی‌مانند و از بین خواهند رفت و در ادامه هر چقدر جنایت کنند، بیشتر به اضمحلال نزدیک می‌شوند.

امام خمینی همچنین در سخنرانی دیگری به استیلای قدرت مردم بر طاغوت اشاره کرده‌اند: «ملت عزیز و پیرو به‌حق امام حسین با خون خود سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نماید و پرچم اسلام را در پهنه کشورها به اهتزاز درمی‌آورد» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۵۳) با توجه به اینکه برخی افراد در دوران پهلوی، حکومت شاه را قدرتمند نشان می‌دادند، این دقت آینده‌نگرانه امام برخاسته از یک تحلیل کاملاً منطقی‌پایه بود. از این بینش قوی امام خمینی می‌توان نتیجه گرفت که ایشان در شرایط سخت و سراسر اضطراب و ناراحتی، با صلابت و اقتداری که ویژگی رهبر دینی جامعه است، امید و باور را در مردم تقویت نمود و نه تنها نشینی نکرد، بلکه این خونخواری سلطنت پهلوی را مقدمه از بین رفتن حکومت ظلم دانست و طبق پیش‌بینی امام خمینی (ره) همان‌گونه هم شد.

رهبر دینی با توکل به خدا و انجام دستورات الهی و همراه کردن مردم به نقطه‌ای از حکمت و قدرت می‌رسد که با دیدن ظاهر پرشکوه، اما پوشالی جبهه کفر نه تنها ترسی به خود راه نمی‌دهد، بلکه با قدرت بینش و بصیرت، اضمحلال و نابودی دنیای مادی‌شان را آینده‌نگری می‌کند.

نامه هشدارآمیز امام خمینی (ره) درباره نابودی جماهیر شوروی زمانی مطرح شد که انتظار فروپاشی شوروی شکست‌ناپذیر محال و موهوم به نظر می‌رسید، اما رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در نامه‌ای به «گورباچف» سقوط قریب‌الوقوع این ابرقدرت را پیش‌بینی و سران آن‌ها را به راه حق دعوت کرد. این نامه مهم تاریخی در شرایطی نگاشته شد که تحلیل‌گران سیاسی جهان در شک و تردید کامل تنها نظاره‌گر آغاز تحولات دنیای کمونیسم بودند و قادر به اتخاذ موضعی روشن در برابر رخدادهای بلوک شرق نبودند. امام خمینی (ره) نوشته بودند: «برای همه ما روشن

است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چراکه مارکسیسم، جابگویی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست، زیرا مکتب مادی با مادیت، بشریت را از بحران عدم اعتماد به معنویت که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است به در آورد. رهبر چین اولین ضربه را به کمونیسم زد و شما دومین و علی‌الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی در جهان به نام کمونیسم نداریم» (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱/۲۲۱). (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱، ۲۲۱) هنوز مدت کوتاهی از ارسال این نامه نگذشته بود که در میان حیرت جهانیان، رژیم شوروی فروپاشید (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲/۲۱۵). (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲، ۲۱۵) تحقق استیلای مردم مسلمان افغانستان، به کشور استعمارگر شوروی، از دیگر نمونه‌های کارکرد سیاسی آینده‌نگری به شمار می‌رود.

محقق شدن سخن امام خمینی (ره) بیانگر شناخت عمیق وی از ملت‌های مستضعف و مسلمانان مظلوم است که هیچ‌گاه حاکمیت زورمندان و بیگانه را تحمل نمی‌کنند و وقتی اراده به دفعشان نمایند، هیچ نیرویی قدرت مقابله با آنان را نخواهد داشت. از مجموع این موارد می‌توان نتیجه گرفت که رهبر جامعه اسلامی با اقتدار، صلابت و شناخت از ملت‌های مسلمان و دعوت آنان به همراهی و ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم، همان سیره نبوی را در برابر فرعونیان پیش گرفت که سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی در برابر ابرقدرت‌های جهان و احیای تمدن اسلامی در دنیای سراسر غرب‌زده منجر شد.

پس از رحلت امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای نیز همان بینش عمیق و آینده‌نگری را به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی دنبال می‌کنند که شاهد آن استیلا و پیروزی جبهه مقاومت بر کفر است. با توجه به اینکه آمریکا بعد از فروپاشی شوروی برنامه تک‌قطبی کردن جهان را دنبال کرده، برای اجرای این طرح و استراتژی، اشغال افغانستان را در آغاز قرن ۲۱ به‌عنوان اولین گام در دستور کار خود قرار داد و به بهانه وقایع ۱۱ سپتامبر به آن کشور حمله کرد. آمریکا به‌گونه‌ای به خاورمیانه لشکرکشی کرد که قریب به اتفاق کارشناسان و تحلیل‌گران، آغاز دوره‌ای سیاه و تاریک را برای خاورمیانه تحلیل می‌کردند که در آن با چپاول منابع طبیعی ملت‌ها بر اقتدار و قدرت آمریکا افزوده می‌شد. سید حسن نصرالله نقل می‌کند، در آن زمان اوضاع

آن‌قدر بحرانی بود که برخی مسئولان ایرانی می‌آمدند با مقام معظم رهبری دربارهٔ برقراری ارتباط با آمریکا مشورت می‌کردند، اما ایشان می‌فرمودند: نگران نباشید! آمریکا هم‌اکنون به اوج خود رسیده و از هم‌اکنون به بعد باید در انتظار فرود و افول این کشور، به‌ویژه ناکامی طرح‌هایش در منطقه باشیم. بدانید آمریکا پس از این که نتوانست از منافع خود در منطقه حمایت کند، اقدام به لشکرکشی به عراق هم خواهد کرد که این دلیل بر ضعف و ناتوانی این کشور است نه اقتدار. (نصرالله، بیانات: ۱۳۹۰/۰۳/۱۶). همچنین رهبر انقلاب در بیان آینده‌نگرانه دیگری فرموده‌اند: «سیاست آمریکایی‌ها در عراق به‌خصوص در این حوادث نجف، سیاست پیش بردن کار با زور و سرکوب است و بدیهی است کاری که با زور و سرکوب بخواهد پیش برود، یقیناً کار ماندگار و موفق نخواهد بود، این‌ها بلاشک شکست می‌خورند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۰۶/۰۴).

۶-۶. امیدآفرینی در امت اسلام

«امید» یکی از نیازهای اساسی بشر است که ریشه در سرشت او دارد. «امید یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و محرک انسان برای رسیدن به دستاوردها و پیشرفت است» (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۳۸). با توجه به گسترهٔ امید در ساحت‌های مختلف، یکی دیگر از کارکردهای سیاسی که در روایات آینده‌پژوهانهٔ معصومین می‌توان به آن اشاره کرد، امیدآفرینی در جامعه است. با توجه به اینکه پیامبر اکرم (ص) در ابتدای رسالت خود خبر از جهانی شدن اسلام را پیشگویی فرمودند (کلینی، ۱۳۴۲: ۸/۲۱۶)، (کلینی، ۱۳۴۲: ۸، ۲۱۶) بعد از قرن‌ها مشاهده می‌شود، در اوج تبلیغات رسانه‌ای مسموم استکبار جهانی، فراگیر شدن دین اسلام با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و بیداری اسلامی سایر ملل در حرکت به‌سوی تمدن اسلامی و احیای ارزش‌های انسانی آغاز شده است. انقلاب اسلامی ایران، در نگاه بسیاری از برجستگان عاقبتی نداشت و توسط دنیای مادی مهار شدنی بود، اما رهبران آن، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، تأکید می‌کردند که با فراگیر شدن این بیداری در منطقهٔ خاورمیانه و سرتاسر جهان، زمینهٔ حکومت جهانی اسلام فراهم خواهد شد.

مقام معظم رهبری در پیام خود به مناسبت ایام حج فرموده‌اند: «امروز جهان و به‌ویژه جهان اسلام دوران حساسی را می‌گذرانند. از سویی امواج بیداری سراسر دنیای اسلام

را فراگرفته و از سویی چهره غدار آمریکا و دیگر مستکبران از پرده تزویر و ریا بیرون افتاده است. از سویی دیگر، حرکت به سمت بازبایی هویت و اقتدار در بخش‌هایی از جهان اسلام آغاز شده و در کشوری به عظمت ایران اسلامی، نهال‌های دانش و فناوری مستقل و بومی به بار نشسته و اعتمادبه‌نفسی که محیط سیاسی و اجتماعی را متحول کرده بود، به محیط علم و سازندگی کشیده شده است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۴/۱۰/۱۹). همچنین: «امروز در دنیا شاهد بیداری ملت‌ها هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید و تلویزیون و رادیو و تبلیغات و پول و امکانات صنعتی، تسلط قدرت‌های استکباری بر ملت‌ها بیشتر شده است، اما سنت الهی بر این قرار گرفته که ملت‌ها هم بیدار شوند و ما امروز می‌بینیم که ملت‌ها روزه‌روز بیدار می‌شوند و این به خاطر امیدی است که آن‌ها به آینده پیدا کرده‌اند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). امروز با وقوع و استمرار انقلاب‌های مردمی و بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جهان شاهد تحقق پیش‌بینی رهبر انقلاب است، درحالی‌که استکبار جهانی با بهره‌گیری از تمام امکانات مادی و غیرمادی خود در تلاش است تا خاورمیانه‌ای به دلخواه خود ایجاد کند، به‌گونه‌ای که اسلام انقلابی در آن ناپود شود، اما همان‌گونه که رهبر انقلاب پیش‌بینی کرده‌اند، با بیداری اسلامی نقشه‌های دشمن نقش بر آب شده و خاورمیانه اسلامی در حال شکل‌گیری است: «شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت و این خاورمیانه، خاورمیانه اسلام خواهد بود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۱۲/۸۰).

یکی دیگر از جلوه‌های امیدآفرینی در اسلام، بیداری امت اسلامی فراتر از خاورمیانه و در اروپا است. چند ماه پس از آغاز بیداری اسلامی در خاورمیانه که کشورهای استکباری تمام تلاش خود را بر انحراف این انقلاب‌ها و آغاز دوره سلطه تاریک و درگیری به کار می‌بستند و رایزنی‌های دیپلماتیک و غیر دیپلماتیک بسیاری در حال انجام بود، آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم حرکات بیداری به وجود آمده باشد. این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد آمد که همین ملت‌های اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آن‌ها را یکسره تسلیم سیاست‌های

فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد و این بیداری حتمی است» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۲/۴)

بخشی از این بیانات آینده‌نگر رهبر انقلاب در اروپا قابل مطالعه و بررسی است. فیگارو روزنامه‌نگار فرانسوی می‌نویسد: «پاریس در آتش است، در آلمان پایان عصر آنگلا مرکل فرارسیده، ایتالیا در حال بازی خطرناک با اتحادیه اروپاست، انگلیس با برگزیت دست‌وپنجه نرم می‌کند. این همه به معنای تکرار تاریخ و تغییر آن است. شورش‌ها در فرانسه در آبان ۹۷ با سرکوب وحشیانه پلیس ارتش این کشور همراه بود. معترضین اعلام کردند افزایش قیمت سوخت فقط بهانه و جرقه حرکت آنان بوده و به شورش خود تا فروپاشی حاکمیت کلان سرمایه‌داران بر کشورشان ادامه خواهند داد و این روزها در دفاع از ملت مظلوم غزه بزرگ‌ترین اعتراضات مردمی و دانشجویی را در سراسر اروپا و آمریکا به حاکمانشان شاهد هستیم که بی‌سابقه‌ترین هجمه حاکمیت‌ها را جهانیان به تماشا نشسته‌اند. همه این مصادیق، شاهدی بر بینش قوی مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبر دینی است. برای پیش‌بینی شناخت جریان‌ها و پدیده‌های در حال ظهور و آینده‌ساز بسیار مهم است، زیرا موجب شناخت نسبت به سیر تحولات می‌شود. اینکه بدانیم اکنون در چه مسیری هستیم می‌تواند منجر به این شود که در آینده به کدام سمت رهسپار خواهیم بود» (جهان امروز به نقل از فارس، ۱۷ آذر ۱۳۹۷).



شکل ۱: کارکردشناسی سیاسی آینده‌نگری معصومین و رهبران انقلاب

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق، مطالعات آینده‌پژوهی ضرورت ساحت مطالعه و اندیشه امروز جهان است تا در برابر حوادث و رویدادهای فردا، حاضر و فعال بود نه منفعل و ناظر. برای داشتن آینده‌ای مطلوب، از توجه به الزامات آن گزیری نیست؛ چنان‌که روشن شد اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان هادیان و منجیان انسان‌ها، به آینده امت بی‌توجه نبوده، بر اساس رسالت الهی خویش، دریغ نمی‌کردند از هیچ امری که آنان را از حضيض ذلت و هلاکت برهاند و به نقطه اوج برساند. آینده‌نگری اهل بیت (علیهم‌السلام) محدود به دوره حضور و شخص آنان نبوده، بلکه فرا عصری و با کارکرد ایجاد بینش قوی در آحاد جامعه بوده است. رهبران انقلاب نیز با تتبع و فقاقت و یادگیری مناظ، مانند رهبران دینی، در رویدادهای مختلف، نسبت به آینده امت اعلام خطر یا ابراز امید کرده‌اند. آینده‌نگری‌ها کارکردهای فراوانی دارد، از جمله کارکردهای سیاسی که پیامدسنجی وابستگی به بیگانگان، شناخت زمینه‌های

استیلای جریان باطل و روشنگری چالش‌های متحجران و منافقان و امیدآفرینی در امت اسلام با تبیین استیلای جریان الهی بر کفر از نمونه‌های این کارکردشناسی سیاسی تطبیقی در بیان معصومین و رهبران انقلاب است.

در پایان **پیشنهاد می‌شود** در تکمیل این پژوهش، راه‌های اثبات علمی یک آینده‌نگری اثباتاً یا نفیاً بررسی شود، به این معنا که از طریق مطالعه موردی آن پیش‌بینی محقق‌شده، الگو و روشی برای اثبات علمی آن استخراج گردد.



فهرست منابع

- 0 ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. ج ۷ و ۱۵. چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- 0 ابن عساکر، ابوالقاسم (۱۴۱۵ ق). تاریخ مدینه دمشق. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- 0 ابن هشام، محمد (۱۳۵۵ ق)، السیره النبویه. قاهره: مصطفی سقا.
- 0 اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶). دانش‌واژه آینده‌پژوهی. ترجمه عبدالمجید کرامت‌زاده و دیگران. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- 0 بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق). أنساب الأشراف. ج ۲. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- 0 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم و دررالکلم. محقق/مصحح: سید مهدی رجایی. چ دوم، قم: دارالکتاب اسلامی.
- 0 خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای: www.khamenei.ir.
- 0 خبرگزاری فارس: farsnews.ir.
- 0 خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. جلد‌های ۲۰، ۱۵ انتشارات تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- 0 دارابی، علی (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، بیم‌ها و امیدها. تهران: امیرکبیر.
- 0 دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. چاپ پانزدهم، تهران: روزنه.
- 0 راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ ق). الخرائج و الجرائج. ج ۱. قم: مؤسسه الامام المهدی (عج).
- 0 رضی، ابوالحسن (۱۳۸۴)، تفسیر نهج البلاغه. مترجم: ناصر مکارم شیرازی. چاپ اول، قم: امام علی بن ابیطالب (ع).
- 0 روحانی، سید حمید (۱۳۸۷ ق). نهضت امام خمینی. ج ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- 0 سلیمانی، جواد (۱۴۰۲). جریان‌شناسی فکری سیاسی صدر اسلام. قم: بین‌الملل.
- 0 طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲ ق). تاریخ الامم و الملوک. ج ۵. تهران: نشر اساطیر.
- 0 طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ ق). دلائل الامامه. چاپ اول، قم: بعثت.
- 0 عزتی، مرتضی (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر منطق علمی پیش‌بینی. فصلنامه نامه مفید.

- 0 عنایت‌الله، سهیل (۱۳۹۳). پرسش از آینده، روش‌ها و ابزارهای تحول سازمان اجتماعی، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- 0 عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۴). تحلیلی بر چارچوب مطالعات آینده انقلاب اسلامی. قم: آفتاب توسعه.
- 0 قربانی، مصطفی؛ مصطفی‌پور، احسان (۱۴۰۱). آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با نگرشی به تحولات فرهنگی اجتماعی امروز. فصلنامه راهبرد، ۳۱ (۳)، ۵۳۳-۵۶۲.
- 0 قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. چاپ ششم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- 0 کاظمی، حجت؛ بصیرنیا، غلامرضا (۱۳۹۹). منازعات درونی ساخت سیاسی و چالش بازتولید فرهنگی در جمهوری اسامی. فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، ۱۳ (۳۷)، ۹-۳۵.
- 0 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۲). اصول کافی ج ۸. چاپ اول، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- 0 مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۱ ق) بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار. ج ۱۸. تهران: اسلامیه.
- 0 مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ ق)، مَرُوجُ الدَّهَبِ و مَعَادِنُ الْجَوْهَرِ. ج ۲، ۳، ۴. چاپ اول، بیروت، دارالهجره.
- 0 مطهری، مهدی؛ قوامیان، شاکر (۱۳۹۸). پیش‌بینی‌های حکیمانه امام خمینی: پیش‌بینی‌های حکیمانه امام خمینی (قدس‌سره) و امام خامنه‌ای (دام‌ظله). قم: شهید کاظمی.
- 0 معین، محمد (۱۳۷۹). لغت‌نامه. چ یازدهم، تهران: سپهر.
- 0 مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق) الامالی. عراق: المؤتمر العالمی.
- 0 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام. قم: نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
- 0 نجفی یزدی، محمد (۱۳۷۸). پیشگویی‌های علی بن ابیطالب. قم: عصر ظهور.
- 0 نصرالله (۱۳۹۰). سخنرانی سید حسن نصرالله در همایش نوآوری و اجتهاد از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۹۰/۰۳/۱۶. به نقل از سایت khamenei.ir
- 0 واصف، جعفر (۱۳۹۱). پیشگویی‌های پیامبر اعظم. قم: واصف لاهیجی.
- 0 هاشم احمد؛ مطلق، محمد (۱۳۸۷) کویت در روزهای اشغال. مترجم: محمدحسن زوار کعبه. چاپ ۱، تهران: سوره مهر.

0 یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۲۲ ق). تاریخ الیعقوبی، چاپ اول، ج ۲، بیروت: دار صادر.

